

نقش دین در جامعه

ایراندخت سیاحی^۱

چکیده

مهم ترین مساله ای که در زندگی انسان و در تمامی شوون وجودی او اثر می گذارد، دین است. که این تاثیر هم در جنبه های فردی زندگی انسان است و هم در جنبه های اجتماعی، و می تواند آثار و نتایج بی شماری، از جمله: برادری و احساس اشتراک، همبستگی اجتماعی، سعادت، اصلاح فرد و اجتماع، ساده زیستی و آرامش، احساس شرافت و بزرگی و ... بر جا بگذارد چنانکه انسان در نتیجه آن خود را بشناسد و به جایگاه واقعی خود پی ببرد و به کرامت و تعالی دست یابد. دین معانی متفاوتی دارد که از آن جمله؛ مجموعه عقاید، قوانین و مقرراتی است که هم به اصول بینشی بشر نظر دارد، هم در باره اصول گرایشی وی سخن می گوید و هم اخلاق و دیگر مسایل زندگی او را پوشش می دهد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که نقش دین در جامعه شامل بسط عدالت اجتماعی، تحکیم روابط اجتماعی، تنظیم روابط عاطفی و... می باشد. پژوهش حاضر به روش توصیفی، تحلیلی و با استناد از منابع کتابخانه ای تالیف شده است.

کلیدواژه: انسان، دین، جامعه، فطرت، هدفمندی.

^۱ طلبه سطح دو، حوزه علمیه جواد الائمه آبدانان

مقدمه

بدون شک در این دنیا نیز انسان نیاز به دین دارد و عقل و تجربه بشری اگر چه بسیار مفید و لازمند اما کافی برای تأمین نیازهای بشر نیستند. دین هم در حوزه نیازهای فردی و روانشناختی انسان کاربرد دارد و هم در عرصه اجتماع و مناسبات انسانی و همه در رابطه با طبیعت. افزون بر آن با توجه به یکپارچگی نظام هستی و پیوند دنیا و آخرت انسان باید دنیای خود را ناظر به زندگی جاوید تنظیم کند و در این زمینه چیزی جز دین حق الهی نمی تواند راهنمای انسان باشد. در این زمینه برخی از نقش دین در جامعه ارائه می گردد. در پیشینه این پژوهش، مقالاتی در ارتباط با این موضوع نگاشته شده است و هرکدام از این پژوهش ها به یک بحث در ارتباط با موضوع پرداخته اند از جمله در مقاله: کارکرد دین در انسان و جامعه، مولف: محمد حسن قدردان قراملکی، ۱۳۸۲، در این مقاله به نقش دین و پیامبران در علم و دانش و تمدن بشری پرداخته شده است. در مقاله: نقش و تاثیر دین در زندگی اجتماعی انسان، مولف: مریم السادات زنجیر، ۱۳۹۵، در این مقاله ضمن پرداختن به معنی واژه دین، درباره تاثیرات مختلف دین بر زندگی فردی و اجتماعی انسان و علل و نتایج آن، پرداخته شده است. در مقاله: تحلیل نقش دین در جامعه، مولف: همایون همتی، ۱۳۹۲، در این مقاله انواه این کارکردها را با نگاه فلسفی جامعه شناسی مورد بحث و تحلیل قرار داده است. هدف از این مقاله، نقش دین در جامعه است. در این پژوهش، ابتدا به معناشناسی مفهوم دین، جامعه پرداخته و در پایان به نقش دین در جامعه پرداخته شده است. تحقیق پیش رو درصدد پاسخ گویی به این سوال است:

۱- نقش دین در جامعه چیست؟

۱- مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به بحث‌های اصلی لازم است کلمات کلیدی و تأثیرگذار را که در این پژوهش مطرح است مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار داده شود تا با روشن شدن مفاهیم آن‌ها، تبیین هرچه بیشتر بحث ممکن شود.

۱-۱- دین

واژه دین در فرهنگ لغات، مترادف با کلماتی چون: حکم و قضاء، رسم و عادت، شریعت و مذهب، همبستگی و غیر آن آمده است.^۱

در کاربردهای قرآنی نیز به معانی زیادی از جمله: جزاء، حساب، قانون، شریعت، طاعت و بندگی، تسلیم و انقیاد، اسلام، روش و رویه، توحید و خداپرستی آمده است.^۲

دین در اصطلاح یعنی اندیشمندان اسلام گاهی دین را به معنای مکتب و گاهی نیز به معنای دین داری تعریف کرده‌اند. برخی از این تعریف‌ها عبارت‌اند از:

۱. دین، مجموعه‌ای از برنامه‌های عملی هماهنگ با نوعی جهان بینی است که انسان برای رسیدن به سعادت خود، آن را وضع می‌کند و یا از دیگران می‌پذیرد.^۳

۲. دین، عبارت است از مجموع عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان ها می‌باشد، گاهی همه این مجموعه حق و گاهی همه آن باطل و زمانی مخلوطی از حق و باطل است.^۴

این دو تعریف، دین به معنای مکتب است. همچنین این نوع تعریف ها را می‌توان تعریف عام دین دانست که همه مسلک ها و مرام های زندگی مبتنی بر نوعی جهان بینی را در بر می‌گیرد، اعم از این که مادی باشد یا غیر مادی، حق باشد یا باطل.

۳. دین، در اصطلاح به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورهای عملی متناسب با این عقاید است.^۵

^۱ دهخدا، لغت نامه، ص ۵۷۲-۵۷۴.

^۲ قاموس قرآن، ج ۲، ص ۳۸۰-۳۸۱؛ مجمع البحرین، ص ۷۶-۷۷.

^۳ شیعه در اسلام، ص ۲-۳.

^۴ شریعت در آینه معرفت، ص ۹۳.

^۵ آموزش عقائد، ج ۱، ص ۲۸.

این تعریف، تعریف دین به معنای دین داری است نه مکتب.

۴. دین، روش ویژه‌ای است که سعادت و صلاح دنیوی انسان را هماهنگ و همراه با کمال اخروی و حیات حقیقی جاودانی او تأمین می‌کند. از این رو، لازم است شریعت، در برگیرنده قوانینی باشد که به نیازهای دنیوی انسان نیز پاسخ گوید.^۶

۱-۲-جامعه

واژه جامعه از نظر لغوی اسم فاعل مؤنث از مصدر «جمع» و به معنای گردآورنده، فراهم کننده و جمع کننده است.^۷

مفهوم «جمع» به معنای گردآوری و فراهم کردن را در آیات زیادی می‌توان دید؛ مانند «وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ»^۸ «يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ» و «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ»^۹

این واژه در زبان عربی قدیم صرفاً کاربردی لغوی داشته، به معنای اصطلاحی و رایج آن ارتباطی ندارد. در قرآن نیز واژه جامعه و همخانواده‌های آن به مفهوم رایج و اصطلاحی آن نیامده است.

اصطلاح جامعه در میان دانشمندان اجتماعی از پر ابهام‌ترین و کلی‌ترین واژگان است. ابهام مزبور تا جایی گسترش یافته که گاه با واژگانی مانند «ملت»؛ «امت» و مفاهیمی دیگر و حتی با اصطلاح تمدن به معنای «مجموعه‌ای گسترش یافته در دوره‌ای قابل ملاحظه از زمان» نیز مترادف شده است و گاه برخی عالمان اجتماعی آن را صرفاً بر اجتماعات بزرگ اطلاق کرده‌اند و جوامع کوچک تر را که به مرحله مدنیت نرسیده‌اند، جماعت، گروه، دسته و... نامیده‌اند،^{۱۰}

بنابراین دستیابی به تعریفی روشن و جامع و مانع، دشوار می‌نماید و به رغم کاربردهای فراوانش این مفهوم هنوز تعریفی مورد اتفاق نیافته است.^{۱۱}

^۶ طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۲۸.

^۷ دهخدا، لغت نامه، ج ۵، ص ۶۴۸۹.

^۸ قیامت، ۹.

^۹ همان، ۱۷.

^{۱۰} جامعه شناسی، ص ۲۰۱.

^{۱۱} دایره المعارف علوم اجتماعی، ص ۷۴۵.

۲- اجتماعی بودن دین

اصل اجتماعی بودن انسان احتیاج به بحث ندارد، زیرا به قول علامه طباطبایی (قدس سره) هر فرد انسانی فطرتاً اجتماعی است و^{۱۲} اجتماعی بودن انسان اقتضا می کند که دین نیز اجتماعی باشد. اساساً اگر دینی تنها به بُعد فردی انسان عنایت داشته باشد، ناقص خواهد بود، زیرا انسان در بُعد اجتماعی که نقطه تضاد منافع و محل کشمکش هاست، به دین محتاج تر از بُعد فردی است. مضافاً این که نباید تأثیر اجتماع بر انسان را نادیده گرفت. نیز باید توجه داشت که توفیق دین در بُعد فردی انسان در گرو توفیق در بُعد اجتماعی است و پیامبران دعوت معنوی خود را با اصلاح در زمینه های اجتماعی همراه می ساختند. علامه طباطبایی می گوید: اسلام نسبت به اجتماع به حدی اهتمام ورزیده که نظیر آن را در هیچ دین و قانون هیچ ملت متمدنی نمی توانیم پیدا کنیم.^{۱۳} پس از پذیرش اجتماعی بودن اسلام نوبت به بررسی کارکرد دین در زندگی اجتماعی انسان می رسد.

۳- نقش دین در جامعه

۱- بسط عدالت اجتماعی

هر چند عدالت به معنای رعایت حقوق دیگران قبل از این که ریشه دینی داشته باشد، ریشه انسانی دارد، اما شکی نیست که دین در بارور کردن آن نقش تعیین کننده ای را ایفا می نماید. با حاکمیت مطلق خودخواهی در میان انسان ها، پیش پا افتاده ترین اصل از اصول انسانی یعنی محترم شمردن حقوق دیگران به مخاطره می افتد. علامه جعفری (قدس سره) می نویسد: تمامی ناتوانی های بشر معلول یک خطای نا بخشودنی است که عبارت از مقدم داشتن «می خواهم» بر «عدالت» است.^{۱۴}

چشم انتظار به عدالت دوختن، در حالی که ایمان و اخلاق و باورهای مذهبی پشتوانه آن نباشد، خیالی باطل است. امام علی (علیه السلام) سرچشمه عدالت را ایمان به خدا می داند و می فرماید: خداوند حقوق مقررّه مسلمانان را بر اخلاص و توحید استوار ساخته است.^{۱۵}

^{۱۲} طباطبایی، روابط اجتماعی در اسلام، ص ۵.

^{۱۳} همان، ص ۱۹.

^{۱۴} ابن ابی الحدید، نهج البلاغه، ج ۲۶، ص ۱۳.

^{۱۵} فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶.

به دلیل فقدان چنین پشتوانه‌ای، از عواطف انسانی خبری نیست و فقر عاطفی در جهان غرب، زندگی را به صورت مکانیکی و عاری از فروغ عاطفه و محبت و مهرورزی و به شکلی خشک و بی روح درآورده است. «اشپنگلر» - جامعه شناس آلمانی - ماهیت جوامع غربی و بیش از همه آمریکا را این گونه معرفی می کند:

آمریکا فروشگاه بزرگی است که در آن با پول همه چیز را می توان خرید.^{۳۱}

از نتایج انهدام عواطف در کشورهای غربی، افزایش خشونت و جرم و جنایت و فروپاشی بنیان خانواده را می توان نام برد. «آلوین تافلر» می گوید: بربریت و جنایت مدّ روز شده است.^{۳۲}

قرآن مجید به روشنی اعمال اخلاقی و از جمله روابط عاطفی را زاییده ایمان به خدا و روز قیامت می شمرد. در بسیاری از آیات، عمل صالح به عنوان ثمره درخت ایمان معرفی شده است:

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»^{۳۳} آیا ندیدی چگونه خداوند کلمه طیبه را به درخت پاکیزه ای تشبیه کرد که ریشه آن ثابت و شاخه های آن در آسمان است و همواره به فرمان پروردگار خود میوه می دهد؟

در جوامع مادی که همه چیز با معیار منافع شخصی سنجیده می شود، مسایل اخلاقی تا جایی رسمیت دارد که با منافع شخصی در تضاد نباشد، اما آن جا که سود مادی به خطر افتد، همه این ها رنگ می بازند. از این رو، پدر و مادری که در سنین بالا قدرت سوددهی ندارند، به طور کلی فراموش شده و به مراکز نگهداری سالمندان فرستاده می شوند تا در انتظار مرگ روزشماری کنند. از آن طرف، فرزندان نیز به محض این که توانایی انجام کاری را پیدا کنند، از خانه بیرون فرستاده می شوند و برای همیشه فراموش می گردند. بدین طریق روابط عاطفی نَسَبی و سَبَبی بسیار متزلزل و ناپایدار می گردند. جالب این که اگر این انسان ها احیاناً در موردی به کار بشر دوستانه ای مبادرت ورزند، از آن به عنوان پلی برای رسیدن به مقاصد شخصی استفاده می کنند و نشانه ای از اخلاص در آن دیده نمی شود. دانشمند معروف فرانسوی «دکتر کارل» در مورد سیمای نیکوکاری در غرب می گوید:

^{۳۱} سادات، اخلاق اسلامی، ص ۲۶.

^{۳۲} سادات، اخلاق اسلامی، ص ۱۱۸.

^{۳۳} ابراهیم، ۲۴-۲۵.

محرك اعمال ما نيل به يك پيشرفت شخصي و قبل از همه، امتيازات مالي، ارضای حس خودنمایی، کسب درجه، عنوان، نشان افتخار و موقعیت اجتماعی است. این نفع جویی گاهی در لباس ریاکاری و زیر نقاب نوع دوستی خود را پنهان می کند.^{۳۴}

اسلام دستورات دقیقی پیرامون نحوه برقراری و تنظیم روابط عاطفی بین مسلمانان دارد که از نزدیک ترین خویشاوندان تا دورترین افراد جامعه را در بر می گیرد. تاریخ شهادت می دهد که اسلام توانست از این طریق در جامعه ای که در میان آنان کینه توزی، جاه طلبی و اختلاف حاکم بود، بذر محبت بکارد و به جای بی تفاوتی، حس مسئولیت و همدردی و همکاری و دلجویی از یتیمان و ضعیفان را در آنان تقویت نماید. نمونه بارز این مطلب، ایثار و از خودگذشتگی انصار نسبت به مهاجران بود؛ قرآن مجید در این باره می فرماید:

«وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»^{۳۵} آنان با این که خودشان نیاز به چیزهایی داشتند، باز هم مهاجران را بر خود ترجیح دادند و مقدم شمردند.

کمک به همبستگی و وفاق اجتماعی

«همبستگی و وفاق، اساس و پایه یک زندگی اجتماعی است و از بین رفتن آن، باعث فرو ریزی ساخت جامعه و از هم پاشیدگی حیات اجتماعی می شود.»^{۳۶} از طرفی، هر فردی بر اساس غریزه خود دوستی، به دنبال منافع خود است؛ گر چه منجر به ضرر و آسیب زدن دیگران شود. لذا این حالت غریزی، خواسته و یا ناخواسته باعث اختلاف و درگیری می شود.

به تعبیر آیت الله وحید خراسانی انسان دارای شهوت و غضبی است که با غریزه زیاده خواهی، به هیچ اندازه و حدی، محدود نیست. اگر شهوت مال بر او غلبه کند، گنج های زمین او را قانع نمی کند و اگر شهوت مقام بر او چیره شود، حکومت زمین او را کفایت نمی کند، می خواهد پرچم قدرت خود را کماکان برافرازد.^{۳۷} اما دین در مقابل این زیاده خواهی انسان با تبیین زندگانی دنیوی و مقدمه خواندن آن برای زندگی آخری و نیز دعوت به گرایش های معنوی و تربیت خاص اخلاقی، زمینه این وحدت و همبستگی اجتماعی را مهیا می کند.

از میان بردن عقاید باطل و خرافی از جوامع انسانی

^{۳۴} کارل، راه و رسم زندگی، ص ۱۵-۱۶.

^{۳۵} حشر، ۹.

^{۳۶} ساروخانی، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۶۴-۶۵.

^{۳۷} خراسانی، توضیح المسائل، ص ۲۴.

خرافات و عقاید باطل، بزرگترین مانع رشد و تکامل و پیشرفت انسان‌هاست؛ به طوری که از بین رفتن آنها، از مبارزه با شرک و بت پرستی، سخت‌تر است. تقلیدهای کورکورانه از باورهای باطل گذشتگان، مانند مادّه پنداشتن فرشتگان، نگرش منفی به زن و فرزند کُشی، زیاده خواهی مادی، تفاخر و ده‌ها بیماری دیگر، تنها به دست دین زدوده شده‌اند.^{۳۸}

علامه طباطبایی(ره) صاحب تفسیر المیزان در این باره فرموده است: «خصلت‌های نیکوی موجود در انسان‌های امروزی، هر چند اندک باشد، ناشی از تعلیمات دینی است.»^{۳۹} البته امروزه نیز با خرافات و عقاید باطل و مدرن مواجه هستیم که از بین رفتن آنها، تنها به وسیله عمل کردن به دین اصیل اسلام میسر است.

^{۳۸} فی ضلال القرآن، ج ۴، ص ۲۰۸۵.

^{۳۹} طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۱۵۱.

نتیجه گیری

در این مقاله به این نتیجه دست یافتیم که دین در پایه‌ریزی و شکل‌گیری و جهت‌دهی اجتماع در یک جامعه دینی، تأثیری محوری و اساسی دارد؛ همچنان‌که ساختارهای اجتماعی غیردینی، در جامعه‌ای است که بر مبنای سکولاریسم شکل گرفته و دین را از عرصه اجتماعی کنار گذاشته است؛ زیرا ساختارهای اجتماعی در هر جامعه‌ای بر اساس مبانی معرفتی و اهداف آن جامعه شکل گرفته است و با آن همسو و هماهنگ است. در نتیجه نقش دین در زندگی انسان می‌تواند در جنبه‌های مختلف، از جمله فردی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی، باشد. دین می‌تواند به انسان کمک کند تا مسیر درست را در زندگی انتخاب کند، آرامش و صلح درونی خود را حفظ کند، ارزش‌های اخلاقی را در زندگی خود نهادینه کند و با دیگران به‌طور عادلانه و مهربانانه رفتار کند. از طرفی، باورهای دینی، به ویژه باور به خدای متعال و حیات اخروی، ضامن اجرایی ارزش‌ها و هنجارهای دینی هستند و این ضمانت اجرایی، در کنترل جامعه و سلامت آن نقش به‌سزایی دارد و باعث از بین خرافات و عقاید باطل نیز می‌شود. از طرفی، همبستگی و وفاق، اساس و پایه یک زندگی اجتماعی است و از بین رفتن آن، باعث فرو ریزی جامعه و از هم پاشیدگی حیات اجتماعی می‌شود. اما دین با تبیین زندگانی دنیوی و مقدمه خواندن آن برای زندگی اخروی و همچنین با دعوت به گرایش‌های معنوی و تربیت خاص اخلاقی، زمینه این وحدت و همبستگی اجتماعی را مهیا می‌کند. ابعاد مختلف اجتماعی احکام عبادی و معاملاتی دین اسلام، تقدیم حق جامعه بر فرد، تقدیم صلاح و مصلحت عمومی بر مصلحت فردی، تشویق به ایثار، فداکاری، تعاون و همکاری، توجه به اموال عمومی مانند زکات، خمس و... و همچنین امنیت اجتماعی، همگی بر توجه دین نسبت به جامعه و اجتماع دلالت دارد؛ به طوری که جامعه مطلوب، نیز خواهان آنها است.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

- ۱-ایمانی، مریم و دیگران، **جامعه شناسی**، نشر: انتشارات ماهواره، ۱۳۹۵.
- ۲-تمیمی آمدی، عبدالواحد، **غررالحکم**، نشر: آتشکده، شماره ۹۶۹۵، ۱۴۰۱.
- ۳-جوادی آملی، عبدالله، **شریعت در آینه معرفت**، نشر: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۲.
- ۴-حرعاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱۱، نشر: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۳.
- ۵-خراسانی، وحید، **توضیح المسائل**، نشر: مدرسه امام باقر العلوم، ۱۳۹۱.
- ۶-دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه**، نشر: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۷-ساروخانی، باقر، **فرهنگ علوم اجتماعی**، نشر: کیهان، ۱۳۸۰.
- ۸-سادات، محمد علی، **اخلاق اسلامی**، نشر: سازمان سمت، ۱۳۹۳.
- ۹-طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، نشر: بنیاد بعثت، ۱۳۷۳.
- ۱۰-طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان**، ج ۳، نشر: حوزه علمیه اسلامی، ۱۳۶۳.
- ۱۱-طباطبایی، محمد حسین، **شیعه در اسلام**، نشر: بوستان کتاب، ۱۳۹۹.
- ۱۲-_____، **بررسی های اسلامی**، نشر: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
- ۱۳-_____، **روابط اجتماعی در اسلام**، نشر: بعثت، ۱۳۹۴.
- ۱۴-_____، **تفسیر المیزان**، ج ۱، نشر: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ۱۳۶۷.
- ۱۵-قطب، سید، **فی ضلال القرآن**، ج ۴، نشر: احسان، ۱۳۹۴.
- ۱۶-قرشی بنابی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، ج ۲، نشر: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸.
- ۱۷-کارل، الکسیس، **راه و رسم زندگی**، نشر: نگاه، ۱۴۰۲.
- ۱۸-مصباح یزدی، محمد تقی، **آموزش عقائد**، ج ۱، نشر: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۳.
- ۱۹-همیلتون، مالکوم، **جامعه شناسی دین**، نشر: نشر ثالث، ۱۳۸۹.